

نشریه مطالعات نواحی شهری دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال سوم، شماره ۲، پیاپی ۷، تابستان ۱۳۹۵

مدیریت توسعه فیزیکی شهر دهدشت با استفاده از مرزهای رشد شهری جهت توسعه پایدار روستاهای پیرامون*

دکتر حجت‌الله شرفی**

استادیار بخش جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید باهنر کرمان، ایران

دکتر غلامعلی خمّر

دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه زابل، ایران

علی اشکبوس

دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، تهران، ایران

چکیده

گسترش شهر، شهرنشینی و افزایش تدریجی تعداد شهرهای بزرگ در جهان، به خصوص در کشورهای در حال توسعه و از جمله ایران از یک طرف و رشد شهرها، تمرکز و تجمع جمعیت و افزایش بارگذاری‌های محیطی و اقتصادی بر بستر آن‌ها از طرف دیگر، ضمن توجه بیشتر به شهرها، منجر به پذیرش نقش‌ها و عملکردهای متعدد آن‌ها شده است. هدف این پژوهش، مدیریت توسعه فیزیکی شهر دهدشت با استفاده از مرزهای رشد شهری، جهت جلوگیری از تغییر کاربری اراضی درجه یک و حاصل‌خیز کشاورزی و تغییر جهت رشد در زمین‌های درجه دو و سه در جهت توسعه پایدار روستاهای پیرامون منطقه است. روش تحقیق، بر اساس ماهیت توصیفی-تحلیلی بوده است و به منظور گردآوری اطلاعات ابتدا به روش کتابخانه‌ای، اسنادی و میدانی و سپس تحلیل‌ها با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی و نرم‌افزار گوگل‌ارت مورد بررسی قرار گرفت. نتایج کلی تحقیق نشان می‌دهد که رشد کنونی شهر دهدشت باعث تخریب زمین‌های بکر کشاورزی در جهات شمال و شمال غربی می‌شود که این امر، متضاد با توسعه پایدار نواحی و روستاهای اطراف است و باید با یک برنامه‌ریزی اصولی نسبت به تغییر جهت توسعه فیزیکی شهر، رشد شهر به قسمت غرب و جنوب شرقی که زمین‌ها از اهمیت کمتری برخوردارند، هدایت شود.

واژه‌های کلیدی: توسعه فیزیکی، مرزهای رشد شهری، توسعه پایدار، شهر دهدشت.

* صفحات: ۷۳-۵۷

دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۱/۲۳

پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۵/۲۰

hojjat.sharafi@yahoo.com

** نشانی پست الکترونیک نویسنده مسئول:

مقدمه

توسعه فیزیکی شهر، فرایندی پویا و مداوم است که طی آن، محدوده فیزیکی شهر و فضاهای کالبدی آن در جهت‌های عمودی و افقی از حیث کمی و کیفی افزایش می‌یابد (آفریده و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۲۲). از طرفی، توسعه فیزیکی ناموزون شهرها بیشتر به سیاست‌های اداری روستا - شهر وابسته بوده و روند بورس‌بازی معاملات اقماری زمین نیز از عوامل اصلی در توسعه فیزیکی شهرها محسوب می‌شود (مظفری و اولی زاده، ۱۳۸۷: ۱۱). گسترش بی‌رویه شهرها مشکلی جهانی است؛ به گونه‌ای که در حال حاضر، بیش از نیمی از جمعیت جهان در شهرها زندگی می‌کنند و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۲۵ افزون بر ۶۵ درصد جمعیت جهان در شهرها زندگی کنند (حسینی و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۶). بنابراین، یکی از ویژگی‌های مهم فرایند شهرنشینی در جهان، گسترش سریع فیزیکی شهرهای آن است (زنگی‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۴). برای کنترل مناسب توسعه فیزیکی و گسترش شهرها لازم است علاوه بر تحلیل‌های اقتصادی-اجتماعی، شناخت و تحلیل دقیقی از خصوصیات زمین و تناسب آن نیز در دسترس باشد (موسوی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۴۲).

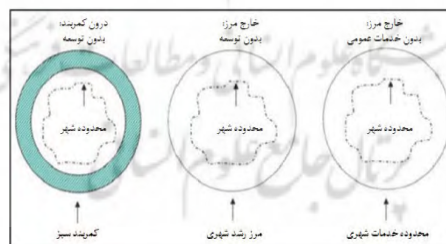
شهر، پدیده‌ای پویا در سیستم فضایی محیط بوده و توسعه فیزیکی آن همواره انسان را ناچار به برنامه‌ریزی می‌کند. رشد روز افزون شهرها و روستاهای بزرگ به تخریب زمین‌های کشاورزی محدود نشده، بلکه مهمتر از آن تنش‌های شهری مانند افزایش بهای زمین، ایجاد تفریح‌گاه، کارگاه و به طور کلی تغییر و تبدیل کاربری‌ها، تبعات مخربی در این زمینه داشته و دارد. در این خصوص یکی از ضرورت‌ها ک مطالعات و سیاست‌های توسعه ملی سخت بر آن تأکید دارد، تعیین اراضی مناسب توسعه آتی شهرهای موجود و روستاهایی است که در آینده از نظر جمعیتی یا کالبدی به شهر تبدیل می‌شوند (سرو، ۱۳۸۵: ۱۶). بنابراین، مطالعات و پژوهش‌ها، مدیریت رشد آتی شهر از همه جوانب باید در نظر گرفته شود؛ در غیر این صورت، اولین آثار مخرب بر طبیعت و چشم‌انداز آن به صورت غیرمستقیم پیامدهای جبران‌ناپذیری را برای انسان و سکونتگاه‌های او در پی دارد. گسترش شهر و شهرنشینی، افزایش تدریجی تعداد

شهرهای بزرگ در جهان به خصوص در کشورهای در حال توسعه و از جمله ایران از یک طرف و رشد شهرها، تمرکز و تجمع جمعیت و افزایش بارگذاری‌های محیطی و اقتصادی بر بستر آنها از طرف دیگر، ضمن توجه بیشتر به شهرها، منجر به پذیرش نقش‌ها و عملکردهای متعدد شده است. در دهه‌های اخیر، مرزهای شهری خیلی سریع‌تر از جمعیت‌شان توسعه پیدا می‌کنند که این توسعه‌های فیزیکی و افقی به عنوان پدیده‌ی پراکنده‌رویی شهری شناخته می‌شوند. پراکنده‌روی شهری با عوارضی همچون، تعرض به زمین‌های کشاورزی و چشم‌انداز طبیعی؛ کاهش مطبوعیت فضاهای باز؛ افزایش وابستگی به اتومبیل؛ آلودگی بیشتر هوا؛ خلوت شدن بافت اصیل و مرکزی شهری؛ کاهش تبادلات اجتماعی؛ افزایش هزینه‌های توسعه زیرساخت‌ها و ارائه خدمات عمومی همراه است (وو، ۲۰۰۷: ۵۵).

در این راستا برای رسیدن به سیاست‌هایی برای کنترل پراکنده‌رویی شهری، ابتدا نیاز است که Urban Sprawl را تعریف نماییم، هر چند تعریف واحد و پذیرفته‌شده‌ای از آن وجود ندارد. بروکنر (۲۰۰۲) پراکنده‌رویی شهری را به عنوان رشد فضایی بیش از اندازه شهرها تعریف می‌کند. در الگوی فضایی، رشد پراکنده هر دو نوع توسعه (مسکونی و غیرمسکونی) را در مسیری ناپیوسته و دور از مرکز شهر شامل می‌شود (وو، ۲۰۰۷: ۵۶).

در جهت حمایت از توسعه پایدار، حفاظت از محیط زیست و جلوگیری از تخریب اراضی کشاورزی تحت نفوذ مستقیم شهر، دولت‌های محلی و ملی سیاست‌های مرتبط با مدیریت گسترش شهری را می‌پذیرند؛ از آن جمله، سیاست‌های محدودکننده شهر را می‌توان نام برد. این سیاست‌ها به عنوان مجموعه قوانین و مشوق‌های عمومی برای محدود کردن توسعه پراکنده و افزایش توسعه پرتراکم که می‌تواند بازتاب‌های منفی بر اقتصاد، محیط و ارتباطات اجتماعی شهر داشته باشند، مطرح می‌شوند. سیاست‌های محدودکننده شهر، ابزاری فیزیکی هستند که به طور مستقیم و موثرتری بر اندازه فیزیکی جوامع تاثیر می‌گذارند. بحث‌های مختلفی پیرامون مزایا و معایب آنها وجود دارد. آغاز این مفهوم در جهان به قرن شانزدهم باز می‌گردد. آن هنگام که ملکه الیزابت

انگلستان فرمان داد که هیچ ساخت و سازی در فاصله سه مایلی از دروازه‌های شهر لندن اجازه ساخت ندارد و در نهایت، این فرمان منجر به ایجاد نوعی کمربند سبز میان دیوارهای شهر لندن و توسعه‌های جدید شد (آبرام، ۱۹۹۵: ۸۶). سیاست‌های محدودکننده شهری به عنوان ابزارهای مشهوری برای کاهش پراکندگی شهری، نگهداری و حفاظت از زمین‌های کشاورزی ظاهر شده‌اند (وانگ، ۲۰۰۶: ۱۲). در سال ۲۰۰۴ نلسون و داوکین بیش از ۱۰۰ مورد از شهرهای آمریکا را بررسی کردند که از سیاست‌های محدودکننده رشد برای مدیریت رشد شهری استفاده می‌کنند (بونیا، ۲۰۰۷: ۱۲). سیاست‌های محدودکننده شهری در جهت حمایت از توسعه پایدار و حفاظت از محیط زیست پیشنهاد شده است و به عنوان روشی برای محدود کردن توسعه حومه‌ها یا حفاظت از فضاهای باز مطرح است. این سیاست‌ها به طور فزاینده‌ای به عنوان کنترل رشد، به وسیله دولت‌های محلی انتخاب می‌شوند. به سبب توانمندی سیاست‌های محدودکننده شهری برای کنترل رشد و نیازهای مکان مورد مطالعه برای پذیرش این سیاست‌ها، معرفی انواع سیاست‌های موجود، امری ضروری است. به طور کلی، کمربند سبز، مرزهای رشد شهری و مرزهای خدمات شهری سه نوع از سیاست‌های محدودکننده شهر می‌باشد که در شکل (۱) آمده است (وو، ۲۰۰۷: ۶۴).



شکل ۱- سیاست‌های محدودکننده شهری (مأخذ: وو، ۲۰۰۷: ۶۵).

کمربند سبز به عنوان موانع فیزیکی برای نگه داشتن توسعه شهرها تعریف شده است؛ به عبارت دیگر، کمربند سبز شامل فضاهای باز سبز، جنگل یا زمین‌های زراعی می‌شوند که به شدت کنترل شده و یا اجازه‌ی توسعه ندارند (بنگستون و ینین، ۲۰۰۶: ۲). این کمربند کارکردهای مهمی از جمله، حفاظت شهرها در برابر آلودگی، تلطیف

هوا، غربال گرد و غبار، تحدید حدود شهر، خاصیت تفرجگاهی، ضربه‌گیر اراضی درونی شهرها و مقابله با پدیده‌ی جزیره‌های گرمایی را دارد (جینایو، هرسبرگر و بورگی، ۲۰۰۹: ۲۲۷). اولین کمربند سبز در سال ۱۵۸۰ اطراف لندن ایجاد شد. در سال ۱۹۴۷، سیاست‌مداران انگلیسی فعالیت‌ی را آغاز کردند که نوعی سیاست طراحی شده برای تولید شهرهای جدید می‌باشد که از مکان‌های روستایی به هم چسبیده متفاوت هستند. اولین مکانیسم متفاوت در انگلیس، تاسیس کمربند سبز بود که نواری از زمین توسعه‌نیافته است و شهر را احاطه و توسعه آن را محدود کرده بود (نیلسون و داویکینس، ۲۰۰۲: ۲۹۶).

مرز رشد شهری، تلاشی برای کنترل پراکنده‌روی شهری است؛ به گونه‌ای که مکان‌های درون مرز را برای استفاده در تراکم‌های بالای توسعه‌ی شهری و مکان‌های خارج مرز را برای توسعه کم‌تراکم در نظر می‌گیرد (وانگ، ۲۰۰۶: ۱۵). در واقع، مرز رشد شهری خطی است که در نقشه، جهت نشان دادن محدوده بین زمین‌های دارای توسعه متمرکز و زمین‌هایی با توسعه کم‌تراکم ترسیم می‌شود. در یک سمت این خط مرزی معمولاً کاربری‌های کم‌تراکم همچون زمین‌های کشاورزی، جنگل، قطعات بزرگ مسکونی و زمین‌های طبیعی یا حفاظت شده قرار دارد. در سمت دیگر، کاربری‌های مترکم و زمین‌های توسعه‌یافته با شدت بالا نظیر کاربری‌های تجاری و صنعتی، قطعات مسکونی کوچک و چند خانواری، مدارس، تسهیلات دولت، خدمات و سرویس‌های حمل و نقلی وجود دارد (وو، ۲۰۰۷: ۷۶). در تعیین و ترسیم مرز رشد شهری، باید توجه داشت که اگر مرز نواحی رشد، خیلی کوچک باشد با کمبود زمین مناسب برای توسعه جدید مواجه خواهد شد و در نتیجه، موجب افزایش قیمت و هزینه‌ی خانه‌سازی خواهد شد و توسعه به سمت مناطق مجاور شهری هدایت می‌گردد؛ از طرفی، بزرگ بودن مرز رشد شهری، تاثیر قابل توجهی بر جلوگیری از رشد پراکنده شهری نخواهد داشت.

مرز خدمات شهری با تغییر در مرز رشد شهری تشکیل می‌شود. این مرز، بسیار انعطاف‌پذیرتر از مرز رشد شهری است؛ به عبارت دیگر، این مرز، مکان‌هایی را که

دارای خدمات شهری هستند از مکان‌های بدون خدمات جدا می‌کند (بونیا، ۲۰۰۷، ۱۷).

در انگلستان، منشأ پیدایش این مفهوم از تلاش‌های مدیریت رشد و حفاظت زمین‌های کشاورزی درجه یک در متروپلیتن Salem و در طی دهه ۱۹۷۰ ریشه می‌گیرد که منجر به اجرای اولین UGB در آمریکا شد. در سال ۱۹۷۳ آرگون پروژه رشد شهری را آغاز کرد و با استفاده از مدل UGB در Salem سیاست مرزهای رشد شهری را برای تشخیص و جداسازی زمین روستایی از زمین با قابلیت شهری پذیرفت و به این وسیله، انتقال منظم و کارا از کاربری‌های روستایی به شهری، توسعه پیوسته و بدون اجازه به پراکنده‌رویی شهری میسر شد (نلسون و داوینکینس، ۲۰۰۲: ۲۹۶).

همچنین تاکنون یک چهارم کلان شهرهای آمریکا نظیر، فلوریدا، واشنگتن، نیوجرسی و مریلند، سیاست‌های محدودکننده شهری را به عنوان جزئی از برنامه‌ریزی منطقه‌ای و محلی کاربری زمین به کار بسته‌اند. آرگون ایالتی که از آن به عنوان رهبر و سرگروه مدیریت رشد در آمریکا نام برده می‌شود، مدیریت رشد شهری را برای مواردی چون، محدود کردن استفاده از منابع، هدایت تقاضای منطقه‌ای برای توسعه شهری درون UGB و دور از منابع زمینی و محدود کردن توسعه محدودده خارجی آن که دارای سازگاری با محیط زیست باشد، به کار می‌برد (نلسون و مور، ۱۹۹۳: ۲۹۷).

در استرالیا طرح ملبورن ۲۰۳۰، راهبردی برای مدیریت رشد و تغییرات کلان‌شهر ملبورن و مناطق اطراف است. این طرح، چارچوبی فرضی برای تمام سطوح دولتی تهیه می‌کند که نیازهای تمام افراد ساکن و شاغلین در ملبورن را تامین کند. این طرح، شامل مجموعه‌ای از سیاست‌ها برای شهر فشرده‌تر، کاهش بورس‌بازی زمین در حومه‌ها و حفظ فضاهای باز اطراف مکان‌های توسعه یافته است (گاید لاین، ۲۰۰۶). همچنین ریاض، از جمله شهرهای عربستان سعودی با ۴/۵ میلیون نفر جمعیت است که سیاست مرز رشد شهری برای کنترل حاشیه‌نشینی، جلوگیری از گسترش و پراکنده‌رویی شهری، تهیه با کفایت زیرساخت‌ها و در همان سه فاز اجرا شد (مبارک، ۲۰۰۴: ۵۷۳). جدول

(۱) به مقایسه گونه‌های مختلف سیاست‌های محدودکننده‌ی شهر از نظر ویژگی، هدف و انعطاف‌پذیری می‌پردازد.

جدول ۱- مقایسه تطبیقی سیاست‌های محدودکننده شهری

نوع	ویژگی	هدف	انعطاف‌پذیری
کمربند سبز	توسعه‌ی جدید درون مرز مجاز نیست	حفاظت دائمی فضای باز یا منابع طبیعی	کم‌ترین انعطاف، تغییر در مرز غیرمتداول
مرز رشد شهری	توسعه‌ی جدید فراتر از مرزها منع شده (مگر در شرایط خاص)	حفاظت زمین‌های کشاورزی، فضاهای باز و کنترل رشد پراکنده	انعطاف در حد متوسط (مرزها به صورت دوره ای بازنگری می‌شوند)
مرز خدمات شهری	توسعه‌ی جدید فراتر از مرزها مجاز می‌باشد (بدون تهیه خدمات)	حداقل‌سازی هزینه خدمات رسانی با مرز خدماتی	بیش‌ترین انعطاف در تغییرات مرزها

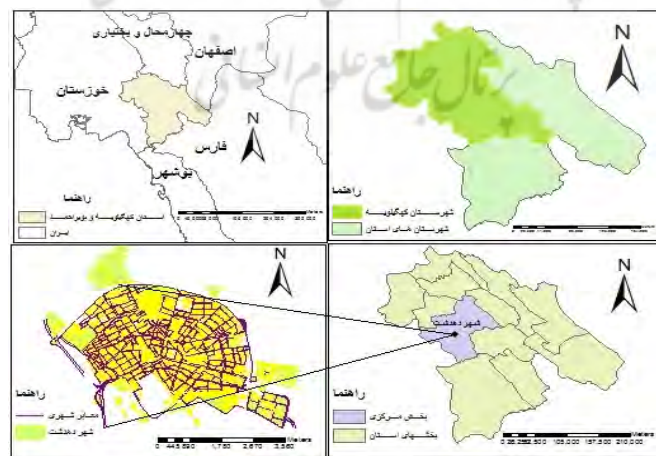
باید توجه داشت اگرچه سیاست‌های محدودکننده شهری قصد استفاده کاراتر از فضا و منابع را دارد، ولی ممکن است نتایج منفی نیز در پی داشته باشد. این نتایج منفی ممکن است شامل افزایش بیشتر قیمت زمین، کاهش کیفیت زیست محیطی و کیفیت پایین‌تر زندگی به سبب کاهش فضای شخصی باشد؛ به علاوه، کمبود زمین قابل ساخت و افزایش ارزش زمین، باعث انتقال فشار و تقاضا به سمت زمین‌های فاقد قابلیت می‌شود. این نتایج ممکن است مستقیماً نتیجه اجرای سیاست‌های تحدید کننده رشد شهری نباشند؛ بلکه به واسطه ضعف در طراحی یا اجرای این سیاست‌ها باشند (بونیل، لا، ۲۰۰۷: ۱۵).

از دهه‌های اخیر که رشد شهری در کشورهای در حال توسعه و ایران شدت گرفت، شهر دهدشت از این عارضه مستثنی نبوده و زمین‌های بکر کشاورزی که نماد توسعه پایدار می‌باشد، مورد آماج ساخت و سازهای شهری قرار گرفت؛ به همین علت، این پژوهش سعی دارد با استفاده از مرزهای رشد شهری که به عنوان سیاست‌های محدودکننده رشد شهری در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه به کنترل افقی شهرها می‌پردازد، به کنترل رشد شهر دهدشت و از بین بردن زمین‌های بکر کشاورزی به ویژه در شمال و شمال غرب بپردازیم.

داده‌ها و روش‌شناسی

روش تحقیق حاضر بر اساس ماهیت توصیفی-تحلیلی، و بر اساس هدف می‌تواند جنبه کاربردی داشته باشد. به منظور گردآوری اطلاعات ابتدا به روش کتابخانه‌ای، اسنادی، میدانی و سپس با مراجعه به سازمان‌ها و بخش‌های مستقر در محدوده مورد مطالعه، اطلاعات پایه‌ای و داده‌های مورد نظر گردآوری شد؛ همچنین برای تحلیل داده‌ها با استفاده از شاخص‌های تحقیق و تولید نقشه، نقشه CAD را به Shp تبدیل و با استفاده از ArcGIS نقشه‌های مورد نظر را تهیه گردید.

با توجه به نبود نقشه پایه قبل از سال ۱۳۸۰ از شهر، به کمک کارشناسان شهرسازی، شهرداری، مسکن و شهرسازی، نقشه شبیه‌سازی شده از مراحل و سیاست‌های عناصر دخیل در رشد شهر دهدشت تهیه گردید. شهر دهدشت مرکز شهرستان کهگیلویه در استان کهگیلویه و بویراحمد است که از نظر جمعیتی سومین شهر پرجمعیت استان است. این شهر در میان دشتی به همین نام و در فاصله تقریبی ۶۰ کیلومتری شرق بهبهان (استان خوزستان) قرار دارد. شهر دهدشت با ارتفاع متوسط ۸۱۰ متر در میان دشت مذکور با طول جغرافیایی ۳۴ درجه و ۵۰ دقیقه و عرض جغرافیایی ۳۰ درجه و ۴۸ دقیقه قرار گرفته است. در اطراف دشت مذکور کوه‌های مرتفعی وجود دارد که ارتفاع بلندترین نقطه آن در قله سیاه کوه به ۲۳۳۰ متر می‌رسد (رشیدی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۰: ۳).



شکل ۲- موقعیت منطقه مورد مطالعه

بحث

شهر دهدشت از حدود سه دهه پیش، مهاجران زیادی را از روستاها به سوی خود جذب کرده، و باعث شده شهر به سمت شمال، شمال غرب و شمال شرق توسعه قابل توجهی داشته باشد؛ البته در سال‌های اخیر در جهت شمال شرقی با مانع طبیعی (رودخانه) برخورد کرده است؛ اما متأسفانه این رشد در گام اول زمین‌های بکر کشاورزی را مورد آماج سنگ، آهن، آجر و سیمان قرار داده است. این پژوهش، سعی دارد با استفاده از مرزهای رشد شهری، به عنوان سیاست‌های محدود کننده رشد شهری که در کشورهای توسعه یافته و حتی در حال توسعه، به کنترل افقی شهرها می‌پردازند، به کنترل رشد شهر دهدشت و از بین رفتن زمین‌های بکر کشاورزی به ویژه در شمال و شمال غرب آن پردازد (شکل ۳).



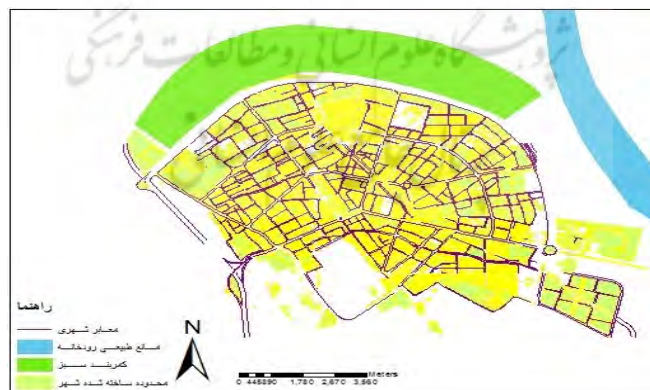
شکل ۳- زمین‌های کشاورزی پیرامون شهر دهدشت

اجرای سیاست‌های محدود کننده رشد شهری برای شهر دهدشت

کمربند سبز

کمربندهای سبز، فضاهای سبزی هستند که از عملکرد کالبدی و اکولوژیک برخوردار بوده و عمدتاً عملکرد اجتماعی ندارند. بنابراین، در طراحی آن‌ها باید مسایل اکولوژیک و کالبدی مدنظر قرار گیرد. در زیر به بعضی از ویژگی‌های کمربند سبز اشاره می‌شود:

- کمربندهای سبز، عمدتاً شکل نواری دارند و نسبت طول به عرض آن، حداقل باید ۲ به ۱ باشد. حداقل عرض کمربندهای سبز، ۵۰۰ متر است.
- اگر کمربندهای سبز، به منظور کاهش سرعت باد و یا کاهش میزان آلودگی هوا احداث می‌شوند، باید به جهت وزش باد و یا منبع آلوده‌کننده دقت کرد.
- در سمت باد پناه، مسافتی به اندازه پنج برابر ارتفاع بادشکن، دارای بالاترین درجه کاهش باد خواهد بود. بعد از این مسافت، مجدداً شدت باد افزایش یافته و در مسافت‌های مساوی با ۳۰ برابر ارتفاع بادشکن، دیگر اثری نخواهد داشت (رستم خانی، ۱۳۸۲).
- اما در استفاده از کمربند سبز برای شهر دهدشت آنچه که در اوایل قرن ۱۹ در انگلستان و در باغ‌شهرهای هاوارد استفاده می‌شد، مدنظر است. ابنزر هاوارد برای محدود کردن باغ‌شهر خود از کمربند سبز استفاده می‌کرد. هدف از این کمربند کنترل شهر و جلوگیری از رشد بی‌قواره شهری بوده است.
- این پژوهش سعی دارد با ایجاد کمربند سبز در جهت حفاظت از زمین‌های بکر کشاورزی شهر دهدشت، به حفظ و تعادل محیط زیست، کنترل و هدایت شهر به جهات دیگر که زمین‌ها از ارزش کمتری برخوردارند؛ گام بردارند (اشکال ۴ و ۵).



شکل ۴- احداث کمربند سبز برای کنترل رشد شهری



شکل ۵- وضعیت زمین اطراف شهر دهدشت برای رشد شهری.

مرز رشد شهری و مرز خدماتی شهری

شهر کنونی دهدشت در دشت نسبتاً وسیع دهدشت در قسمت جنوب غربی ارتفاعات زاگرس واقع، و دور تا دور این شهر به وسیله ارتفاعات احاطه شده است. هسته اولیه این شهر بر روی تپه‌ای قرار داشته است که در دوره‌های بعدی، شهر از شمال، شرق، غرب و حتی در قسمت‌هایی از جنوب توسعه پیدا کرده است، اما آنچه که به سیمای شهر دهدشت قبل از ۱۳۳۵ نمود داده، یادمان‌های باقی مانده از دوره صفویه و به خصوص شاه طهماسب دوم است. به طور کلی در اواخر دوره صفویه، دهدشت به خاطر عدم امنیت در راه‌های تجاری صدماتی دیده است. تا جایی که صاحب کتاب فارسنامه ناصری، در مورد دلایل زوال شهر می‌نویسد، در زمان هرج و مرج زندیه چادر نشینان چهار بنیچه قصبه شکوفایی دهدشت را غارت و ویران کرده و اهالی آن را فراری دادند (اقتداری، ۱۳۵۹: ۵۵). در مجموع تا قبل از سال ۱۳۳۵ توسعه شهر کند بوده و از عمده دلایل آن می‌توان به عدم امنیت در منطقه، شرایط بد اقتصادی، کمبود آب مناسب، مرگ و میر را نام برد (اقتداری، ۱۳۵۹، ۷۳). جمعیت شهر در این دوره از ۹۹۸ نفر در سال ۱۳۴۵ به ۲۹۰۲ نفر در سال ۱۳۵۵ رسید یعنی در طی مدت ۱۰ سال، ۱۹۰۴ نفر به جمعیت شهر اضافه شده که نرخ رشدی معادل ۱۱/۳ درصد را نشان می‌دهد، عوامل سیاسی و امنیتی، تأسیسات و تجهیزات شهری و وجود مصالح ارزان ساختمانی در محل؛ وجود اراضی مناسب جهت توسعه شهر و وجود امکانات بهتر (حداقل بهتر از روستا) در شهر از جمله عوامل مؤثر بر رشد شهر در این دوره هستند. از طرفی وجود امنیت نسبی در شهر به علت جنگ و گریزهای طایفه‌ای و درگیری‌های

خوانین با یکدیگر و غارت روستاها امنیت به طور کلی از روستاها رفته بود و موجبات رشد شهر را فراهم می‌کردند (اقتداری، ۱۳۵۹: ۵۶).

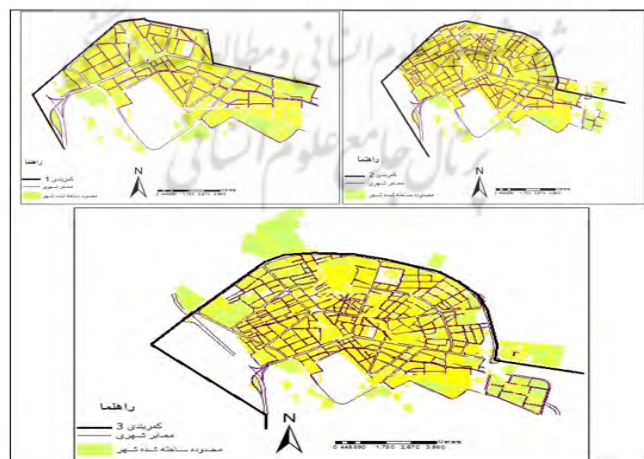
اما شهر دهدهشت در سال‌های اخیر به موازات رشد شهرنشینی در کشور، نقش خدماتی بیشتری یافته است؛ بخشی از این خدمات شامل خدمات عمومی، رفاهی و اجتماعی است که جمعیت شهرستان به آن نیاز دارد و بخشی دیگر از خدمات که سیاست شهرسازان و مدیران شهری برای شهروندان شهر ارائه می‌دهد؛ بنابراین، می‌توان کنترل مرزهای رشد شهری و مرزهای خدمات شهری را خارج از کنترل مردم و در اختیار عناصر دولتی دانست؛ به طوری که شهرداری شهر دهدهشت با ارائه و کنترل خدمات ضروری در جهات توسعه شهری اقدام می‌نماید؛ همانطور که در شکل (۶) ملاحظه می‌شود، دهدهشت قدیم به صورت هسته‌ای شکل گرفته و آثار بقایای آن در حال حاضر نیز گواه این مطلب است. به مرور و در طول زمان نیز دهدهشت جدید در بیرون این قسمت ایجاد شده؛ ولی بر اثر توسعه‌های بعدی و پیوسته شهر، شهر در اطراف شهر قدیم گسترش یافته و در حال حاضر نیز به صورت یک هسته متمرکز است. این شهر به صورت نیمه شعاعی است که شعاع ناقص آن با عوارض طبیعی از جمله ارتفاعات جنوبی محدود می‌شود و خیابان‌های کمربندی، شعاع‌های شهر دهدهشت را مشخص می‌کنند. جهت‌گیری توسعه شهر به طرف شمال و نیم‌دایره‌ای است، قطعات تفکیکی در این شهر به غیر از بخش جنوبی و قدیمی آن نسبتاً منظم است (شکل ۶).



شکل ۶- شکل کنونی شهر دهدهشت

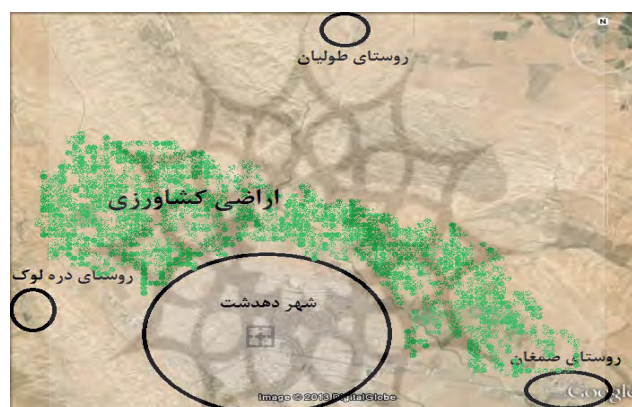
شهر دهدشت از زمانی که دارای تشکیلات شهرداری شد، از قسمت قدیم شهر به اطراف و در جهت زمین‌های درجه یک و بکر کشاورزی رشد کرده و با اجرای سیاست‌ها جهت‌دهی شهر به صورت نیمه شعاعی به طرف این زمین‌ها توسعه یافته، البته همان‌طور که در شکل (۶) ملاحظه می‌شود، نیمه شعاع آن در سال‌های آینده به دلیل مانع طبیعی رودخانه به طرف بهترین زمین‌ها در شمال و شمال غرب حرکت می‌کند؛ البته می‌توان با اجرای سیاست‌های اصولی و اجرای پل، هدایت شهر را به طرف زمین‌های درجه دو و سه پیش برد.

الگوی مرزهای رشد شهری و خدمات شهری که از طرف شهرداری اعمال می‌شود، از زمان طرح هادی شهری به سال ۱۳۶۲ بر می‌گردد. در این طرح و سیاست‌های اعمال شده توسط شهرداری همواره وقفه‌ای کوتاه در رشد شهر ایجاد می‌شود و بعد با اجرای طرح کمربندی به ساخت و ساز در بهترین زمین‌های شهری اقدام می‌شود که در اشکال زیر نمایش داده می‌شود. لازم به ذکر است که در دوره‌های قبل از اجرای طرح کمربندی‌های ۱ و ۲ ساخت و سازها به صورت پراکنده وجود داشته است، البته در اجرای طرح کمربندی ۳ تدابیر بهتری اندیشیده شده و تا سال ۱۳۹۳ ساخت و ساز به پشت کمربندی شهر کشیده نشده است.



شکل ۷- الگوی مرزهای رشد شهری و خدمات شهر دهدشت

به طور کلی، جاده کمربندی که بطور نمیه شعاعی در جهت زمین‌های کشاورزی کشیده می‌شود، می‌تواند بهترین ابزار برای مسولان و مدیران شهری برای کنترل رشد پراکنده شهر باشد. همان‌طور که شکل ۷ نشان می‌دهد رشد شهر در جهت کمربند سه در حرکت است که مدیران شهری می‌توانند از این مرزهای رشد شهری و مرزهای خدمات شهری برای کنترل و هدایت شهر به جهات دیگر و زمین‌های درجه ۲ و ۳ برنامه‌ریزی نمایند و در جهت حفظ محیط زیستی پایدار برای آینده شهر و روستاهای پیرامون گام بردارند. شکل ۸ وضعیت کلی طرح این پژوهش را نشان می‌دهد.



شکل ۸- وضعیت کلی شهر دهدشت و حوزه پیرامون آن

نتیجه‌گیری

با توجه به پیامدهای منفی زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی در شهرهای درگیر با پدیده رشد افقی می‌توان از آن با عنوان رشدی ناکارآمد شهری یاد کرد. هم‌جواری مکان استقرار شهر دهدشت با اراضی حاصلخیز کشاورزی و باغ‌ها، زمینه گسترش فضای شهری را در داخل و پیرامون این اراضی و به زیر ساخت رفتن قطعات بزرگ اراضی مزروعی در داخل محدوده شهری را فراهم آورده است. تعرض به منابع اراضی کشاورزی شهر برای تأمین مسکن و سایر کاربری‌های شهری به تدریج صورت گرفته است که این امر موجبات تغییر کاربری زراعی یا به تعبیر دیگر بلعیدن اراضی کشاورزی و تبدیل آن‌ها به سایر کاربری‌ها را در پی داشته است؛ به همین علت، ادامه توسعه شهر

به همین صورت تهدیدی جدی برای محیط زیست و اقتصاد بخش کشاورزی شهر دهدشت به شمار می‌رود.

باید توجه داشت در جهت حمایت از توسعه پایدار و حفاظت از محیط زیست، دولت‌های محلی و ملی باید سیاست‌های مرتبط با مدیریت گسترش شهری، از جمله سیاست‌های محدودکننده شهر را بپذیرند. این سیاست‌ها به عنوان مجموعه قوانین و مشوق‌های عمومی برای محدود کردن توسعه پراکنده و افزایش توسعه پرتراکم که می‌تواند بازتاب‌های منفی بر اقتصاد، محیط و ارتباطات اجتماعی شهر داشته باشند، مطرح می‌شوند.

در همین راستا، شهر دهدشت نمونه بسیار خوبی برای اجرای سیاست‌های محدودکننده رشد شهری دارای شرایط بالقوه می‌باشد. سیاست کمربند سبز که در شکل (۵) ملاحظه می‌شود، می‌تواند با اجرای توسعه پایدار شهری، حفظ محیط زیست شهر و هدایت رشد شهر دهدشت به جهات دیگر مفید واقع شود.

سیاست‌های مرزهای رشد شهری و مرز خدمات شهری می‌توانند برای شهر دهدشت مکمل همدیگر باشند؛ زیرا با اجرای هر کدام از کمربندهای سه‌گانه در اطراف شهر که در واقع هم مرز رشد شهر و هم مرز خدمات رسانی را در بر می‌گیرد، به عنوان سیاست‌های محدودکننده اصلی شهر دهدشت و توزیع رشد به جهات دیگر که زمین‌ها ارزش کمتری دارند، باشند.

تفاوتی که این پژوهش با پژوهش‌های مشابه خارجی خود دارد این است که در کشورهای پیشرفته و صاحب فناوری می‌توانند از حداکثر هزینه و امکانات برای کنترل و جهت‌دهی رشد شهرهای خود برای رشد پایدار منطقه استفاده کنند؛ ولی در این پژوهش می‌توان از حداقل امکانات و توان‌های بومی برای جهت‌دهی رشد شهر دهدشت استفاده کرد و تا حدودی به اهداف این مقاله که همانا دستیابی به توسعه پایدار شهر و حوزه نفوذ آن می‌باشد، گام برداشته شود.

فهرست منابع

۱. اقتداری، احمد. (۱۳۵۹). تاریخ کهگیلویه. انتشارات انجمن مفاخر علمی ایران، تهران.
۲. آفریده، فائزه، اسدی، اکرم، احمدی، امیر. (۱۳۹۳). پتانسیل سنجی توسعه فیزیکی شهر جدید پردیس با تاکید بر شاخص‌های ژئومورفولوژی. پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری، دوره ۲، شماره ۴، صص ۵۴۰-۵۲۱.
۳. حسینی‌فسایی، سیدحسن. (۱۳۸۸). فارسانامه ناصری. ترجمه منصور رستگار فسایی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۴. حسینی، سیدعلی، پوراحمد، احمد، ویسی، رضا. (۱۳۹۲). مکانیابی جهات بهینه توسعه فیزیکی شهر رشت با استفاده از مدل AHP. چشم‌انداز جغرافیایی در مطالعات انسانی، سال ۸، شماره ۲۳، صص ۷۲-۵۵.
۵. رستم‌خانی، پروانه. (۱۳۸۲). عناصر اساسی برای طراحی باغ در مناطق مسکونی. انتشارات مرکز تحقیقات مسکن و ساختمان، تهران.
۶. زنگی‌آبادی، علی، نسترن، مهین، کمالی باغراهی، اسماعیل. (۱۳۹۴). تحلیل روند و نحوه توسعه فیزیکی-کالبدی شهر کرمان از پیدایش تاکنون. مجله مطالعات نواحی شهری، دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال ۲، شماره ۵، صص ۴۲-۲۳.
۷. سرور، رحیم. (۱۳۸۵). جغرافیای کاربردی و آمایش سرزمین. انتشارات سمت، تهران.
۸. مظفری، غلامعلی، اولی‌زاده، انور. (۱۳۸۷). بررسی وضعیت توسعه فیزیکی شهر سقز و تعیین جهات بهینه توسعه آتی آن. مجله محیط‌شناسی، سال ۳۴، شماره ۴۷، صص ۲۰-۱۱.
۹. موسوی، سیدحجت، ولی، عباسعلی، داستان، داریوش، پورخسروانی، محسن. (۱۳۹۴). بررسی سناریوهای گسترش فیزیکی شهر یاسوج با تاکید بر فرآیندهای طبیعی. نشریه مطالعات نواحی شهری، سال ۲، شماره ۳، صص ۱۶۵-۱۴۱.
10. Abrams, M., Noonan, J., (1995). **Managing Maryland's growth models and guidelines urban growth boundaries.** The Maryland Economic Growth, Resource Protection, and Planning Act of 1992.
11. Al-Hathloul, S., Aslam Mughal, M., (2004). **Urban growth management the Saudi experience.** Habitat International, Vol. 28, pp: 609-623.

12. Bengston,, D.N., Youn, Y.C., (2006). **Urban containment policies and the protection of natural areas: the case of Seoul's greenbelt.** Ecology and Society, Vol.11, pp: 1- 3.
13. Gennaio, M.P., Hersperger, A.M., Burgi, M., (2009). **Containing urban sprawl-evaluating effectiveness of urban growth boundaries set by the Swiss Land Use Plan.** Land Use Policy, Vol.26, pp: 224–232.
14. Mojica Bonilla, A.I., (2007). **Assessing urban containment policies for managing the urban growth of santa tecla city, El Salvador.** MS thesis of Environmental Studies the College of Arts and Sciences of Ohio University.
15. Mubarak, F.A., (2004). **Urban growth boundary policy and residential Sub urbanization: Riyadh, Saudi Arabia.** Habitat International, Vol.28, pp:567–591.
16. Nelson, A.C., Dawkins, C.J., (2002). **Urban containment policies and housing prices: an international Comparison with implications for future research.** Land Use Policy, Vol.19, pp:1–12.
17. Nelson, A.C., Moore, T., (1993). **Assessing urban growth management The case of Portland, Oregon, the USA's largest urban growth boundary.** Journal of Land Use Policy, Vol.10, pp: 293-302.
18. Oregon's Statewide Planning Goals & Guidelines., (2006). **GOAL 14: Urbanization.** OAR 660-015-0000(14) Effective April 28.
19. RashidiFard, N., Taqavi, A.M., KeramatiAsl, R., (2011). **Optimum locating of fire fighting stations in urban transportation networks for better reacting to earthquakes: Case study: Dehdasht City.** The first international conference of urban constructions around the potentially dangerous areas, Tabriz, Iran.
20. Wong, H., (2006). **Urban growth boundaries and urban limit lines.** Regional Planner Association of Bay Area Governments.
21. Woo, M., (2007). **Impacts of urban containment policies on urban growth and structure.** PhD thesis of Philosophy, Ohio State University.